

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا ۵۵۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: عبدال گلپریان

۲۹ دی ۱۳۸۹، ۱۹ ژانویه ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

انقلاب در تونس: به پیش!



روز جمعه ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، تظاهرات و مبارزات یکماهه کارگران و مردم زحمتکش تونس بر علیه بیکاری، فلاکت و حکومت فاسد پلیسی منجر به فرار "زین العابدین بن علی" دیکتاتور این کشور گردید. این اولین شمره مبارزه مردم تونس در تلاش برای تحقق آزادی و برابری و شروع انقلابی است که پیروزی آن صفحه ۲

جمهوری اسلامی ایران قصد سنگسار کردن دو جوان همجنسگرا در پیرانشهر را دارد.

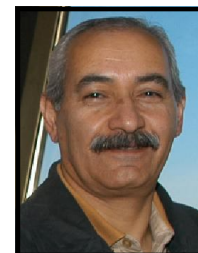
طبق خبری که به دست ما رسیده است، ایوب و مصلح جوانان ۲۰ و ۲۱ ساله در خطر سنگسار شدن در پیرانشهر هستند. این دو جوان هم اکنون در زندان ارومیه هستند، اتهام آنها اینست که با دوستانش رابطه جنسی داشته و از آن فیلم گرفته اند، فیلم را با عکسهایی از احمدی نژاد میکس کرده و همچنین در تلفن موبیل این دو جوان عکس خری را روی

صفحه ۲

به این احکام وحشیانه اعتراض کنیم

گرفتند تا با بره انداختن چوبه های دار و اعدامهای دسته جمعی در گوشه و کنار کشور مردم را مرعوب کنند و ناکامی خود را در اجرای حکم سنگسار سکینه آشتیانی و حکم اعدام حبیب لطیفی جبران کنند. اخیرا هم به دو نوجوان همجنسگرا گیر داده اند تا بلکه فضای رعب و وحشتی را که دیگر هیچ خاصیتی برایشان ندارد برقرار

صفحه ۲



عبدال گلپریان

در هفته های اخیر حاکمان رژیم اسلامی تمام تقلائی خود را بکار

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده تشکیل شد با اعلام همبستگی به این کمیته با تمام قوا برای آزادی بهنام ابراهیم زاده تلاش کنیم



بهنام ابراهیم زاده

کرده بودند، هم اکنون کمیته ای در دفاع از او تشکیل داده اند، متن

صفحه ۲

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک از ۲۲ خرداد در زندان است و جانینان اسلامی به او ۲۰ سال حکم زندان و ده سال محرومیت از فعالیت اجتماعی داده اند. جرم بهنام دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق کودک و حقوق انسانی است. باید به ادامه بازداشت بهنام و صدور بیست سال حکم زندان برای او وسیعا اعتراض کرد. خانواده بهنام ابراهیم زاده، در ادامه کمپینی که برای آزادی بهنام اعلام

در سوگ فرزند عزیزم رئوف

به اطلاع می رسانم که در یک واقعه ناگوار فرزند عزیزم رئوف را از دست دادم. خبر مرگ رئوف برای من و مادرش آمنه و دختر عزیزم پرستو بسیار تکان دهنده بود. هنوز باورمان نمیشود که رئوف عزیز در میان ما نیست. مردم زیادی در

صفحه ۳



عبدالله اسدی

تسلیم به رفقا عبدالله اسدی، آمنه زرین و پرستو اسدی

صفحه ۳

درباره آزادی بیان مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمهوری اسلامی ایران قصد سنگسار ...

از صفحه ۱

این دو جوان، فورا در يك دادگاه این دو نفر را به سنگسار محکوم کرده اند. خبرها حاکی از اینست که ممکنست جمعه این هفته ۲۱ ماه ژانویه این دو جوان را سنگسار کنند. کمیته بین المللی علیه سنگسار از همگان دعوت میکند که به این احکام وحشیانه و قرون وسطایی حکومت اسلامی اعتراض کنند. ما بویژه از مردم پیرانشهر میخواهیم که اخبار مربوط به این واقعه را فورا برای ما ارسال کنند و برای جلوگیری از اجرای احکام سنگسار خود را آماده کنند. از جوانان پیرانشهر دعوت میکنیم که به یاری مصلح و ایوب شتافته و اعلام کنند که نخواهند گذاشت این فاجعه در پیرانشهر اتفاق بیفتد. باید دسته جمعی اعلام کنیم که نخواهیم گذاشت دو جوان را برای زهر چشم گرفتن از جوانان معترض در ایران

کمیته بین المللی علیه سنگسار ۱۶ ژانویه ۲۰۱۱



جلادان اسلامی حاکم بر ایران باشد. باید با تمام توان و از هر طریقی و به هر شکلی به حکومت اسلامی آدم کشان فشار آورد و اعتراض کرد. فعالین سیاسی و محکومین به اعدام هم اکنون در خطر اعدام قرار دارند. نباید اجازه داد که نمایندگان توحش اسلامی بیش از این آدم بکشند. مردم آزادیخواه در داخل و خارج این توان را دارند که به جنایت علیه بشریت توسط جانوران اسلامی حاکم بر ایران خاتمه دهند. جنبش علیه اعدام در ایران نقش بسیار مهمی در شکستن چوبه های دار و بریدن طنابهای کشتار را می تواند بر عهده بگیرد. فعالین و نهادهای اجتماعی مختلف با سازمان دادن اعتراضات توده ای و گسترده قادر هستند اوباشان آدم کش را سر جای خود بنشانند. برای اینکه شاهد اعدام، زندان، سنگسار و کشتار نباشیم، این رژیم ۳۱ سال جنایت را باید با قدرت انقلاب مردم به زیر کشید.

۱۸ ژانویه ۲۰۱۱

از صفحه ۱ به این احکام وحشیانه ...

صدور احکام اعدام برای زنان و نوجوانان و حبس های طولانی مدت برای فعالین کارگری که تنها به جرم طلب حق خود که توسط جانوران اسلامی سرمایه به جیب زده اند، آخرین برگهای سوخته خود را نشان میدهند. اما این خود جمهوری اسلامی است که با صدور احکام قرون وسطایی اعدام، زندان و کشتار به هراس و وحشت افتاده و برای بقای حکومت در حال رفتن لحظه ای از جنایت غافل نبوده است. تهدید، آزار و اذیت، صدور احکام اعدام، حبس های طولانی مدت برای فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبشهای اجتماعی، تلاشی برای ایجاد سد و مانع در مقابل اعتراضات توده ای مردم است. سران حکومت اسلامی هنوز از واکنش مردم در مقابل طرح حذف یارانه ها که منجر به سقوط حتمی اش نشده است تا حدی خشنود هستند. احکام اعدام و اجرای

روز ۲۹ ژانویه از سوی سازمانها، شخصیتهای سیاسی و نهادهای بعنوان روز اعتراض علیه اعدام زندانیان سیاسی اعلام شده است. اعتراض جهانی علیه بربریت جمهوری اسلامی در این روز می تواند واقعه مهمی در عقب راندن

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ...

از صفحه ۱

زندان ۲۸ دی ۸۹، ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱ شهلا دانشفر ۰۰۴۴-۷۷۷۹۸-۹۸۹۶۸ Shahla.Daneshfar@yahoo.com آدرس ایمیل

جهت جلوگیری از رباهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

بهرام سروش ۰۰۴۴-۷۸۵۲-۳۳۸۳۳۴ Bahram.Soroush@gmail.com آدرس ایمیل

جهت جلوگیری از رباهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید <http://free-them-now.blogspot.com>

ضمیمه: تشکیل کمیته دفاع از حقوق بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی

کارگران، مردم آزادی خواه

بیانیه اعلام موجودیت این کمیته ضمیمه است، به هر شکل که میتوانیم به این اعتراض بپیوندیم و همراه با این کمیته برای آزادی بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی تلاش کنیم.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده کلیه کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، نویسندگان و کلیه تشکل های اجتماعی و انسان های آزادی خواه را فراخوانده است که در حمایت از بهنام به حرکت آنها بپیوندند. وسیعا به این فراخوان پاسخ دهیم.

طومار های اعتراضی بنویسیم و در حمایت از بهنام ابراهیم زاده به نهادهای بین المللی بفرستیم. و صدای اعتراض بهنام و خانواده او را در سطح جهانی انعکاس دهیم. بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی باید فورا از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران

انقلاب در تونس ... از صفحه ۱

در سوگ فرزند عزیزم ...



رئوف اسدی

از صفحه ۱

بیشتر بنویسم و این را به فرصتهای دیگری می‌گذارم.

اما هر کس که رئوف را می‌شناخت می‌دانست که او چگونه انسانی بود. رئوف پراز شور و صمیمیت بود و شخصیتی دوست‌داشتنی بود. رئوف انسانی آگاه و مهربان بود. کافی بود تنها یک ساعت با او می‌نشستی و در مورد علل و ریشه‌های مصائب جامعه سرمایه‌داری با وی وارد بحث می‌شدی تا میدیدی چگونه با اتکا به آموخته‌هایش ریشه این جامعه نابرابر را توضیح می‌داد.

او نسبت به تبعیض در جامعه و ایجاد گتوها معترض بود و دوست داشت که این تفاوتها از میان برداشته شود و همه در این جامعه جا داشته باشند و احساس راحتی و خوشبختی کنند. رئوف یکی از مشغله‌های اصلی اش ورزش بود و احساسات قوی انساندوستانه داشت. طبعاً او مانند هر انسان دیگری بری از خطا و اشتباه نبود ولی از زندگانی درس می‌گرفت و خود را اصلاح می‌کرد.

حالا من و آمین و پرستو، رئوف عزیزمان از دست داده ایم و در سوگ نشستیم. رئوف فرزند دل‌بند ما بود و جای خالی اش را

با اینکه طبق ادعای خود پلیس هنوز انگیزه بروز این رویداد و قتل فجیع روشن نیست ولی مرگ پسر ما را به رقابت میان گروه‌های بزهکار مربوط دانستند. به پسر ما چیزهایی را نسبت می‌دهند که حتی به ادعای خودشان هیچ پرونده‌ای نیز علیه او تشکیل نگردید. یک مقام پلیس که نخواست نامش فاش شود در مصاحبه با روزنامه‌ای بر خورد غیر مستولانه را به اوج خود رساند و اعلام داشت که: "عجیب این است که چنین قتل‌هایی بیشتر از این اتفاق نمی‌افتد! تو گویی زندگی این دوجوان برایشان پیشیزی ارزش ندارد. در این گونه موارد زیاد می‌توان گفت و نوشت ولی من در حال حاضر به دلیل غم بزرگی که دارم قادر نیستم

است. همینجا از همه کسانی که با پیام‌های گرم و صمیمانه‌شان با ما ابراز همدردی کردند، عمیقاً سپاسگزار می‌کنم. هر چقدر مردم انساندوست در گوش و کنار دنیا ما را در حلقه محبت و عاطفه انسانی خود قرار دادند، از آن طرف پلیس و مدیای سوئد با بیان اظهاراتی پیرامون این واقعه متأسفانه نشان دادند که چقدر غیر مستولانه عمل کردند.

با اینک طبق ادعای خود پلیس هنوز انگیزه بروز این رویداد و قتل فجیع روشن نیست ولی مرگ پسر ما را به رقابت میان گروه‌های بزهکار مربوط دانستند. به پسر ما چیزهایی را نسبت می‌دهند که حتی به ادعای خودشان هیچ پرونده‌ای نیز علیه او تشکیل نگردید. یک مقام پلیس که نخواست نامش فاش شود در مصاحبه با روزنامه‌ای بر خورد غیر مستولانه را به اوج خود رساند و اعلام داشت که: "عجیب این است که چنین قتل‌هایی بیشتر از این اتفاق نمی‌افتد! تو گویی زندگی این دوجوان برایشان پیشیزی ارزش ندارد. در این گونه موارد زیاد می‌توان گفت و نوشت ولی من در حال حاضر به دلیل غم بزرگی که دارم قادر نیستم

اسم رمز این نقشه شوم و شناخته شده ظاهراً "انقلاب یاسمین" است که قرار است طبق الگوهای "انقلاب‌های رنگی" مبارزه و انقلاب واقعی مردم را با قدری دست به دست کردن قدرت بین بخش‌های مختلف هیات حاکمه سابق به شکست بکشاند. کارگران و مردم در تونس باید انقلاب خود را به پیش رانند و برای پیروزی باید بر خواسته‌ها اقداماتی نظیر آزادی فوری و بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی، محاکمه فوری "بن‌علی" و همه عاملان کشتارهای اخیر، لغو هرگونه حکومت نظامی، انحلال فوری همه دستگاه‌های سرکوب، افشای دزدی‌ها و چپاول مقامات حاکم، تشکیل و اعمال قدرت شوراها و ارگانهای مستقیم اداره امور در کارخانه‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها و محلات، برقراری آزادی بی‌قید و شرط اعتصاب، تشکل، بیان و فعالیت سیاسی، افزایش فوری دستمزدها و غیره تاکید گذارند. هیچ "دولت ائتلافی" و غیر ائتلافی که این خواستها و اقدامات را برسمیت نشناسد و به آنها عمل نکنند مشروعیت ندارد. ادامه

اوضاع فلاکت‌بار و دیکتاتوری سابق است و باید فوراً کنار رود. متحقق کردن این خواستها و به جلو سوق دادن انقلاب تنها میتواند بر بسیج و تشکل توده‌های وسیع کارگران و مردم محروم در تونس ممکن شود.

ما خواهان پیشروی و پیروزی همه‌جانبه انقلاب کارگران و مردم محروم در تونس هستیم و پیروزی آنها پیروزی همه محرومان و مردم جهان و از جمله مردم ایران خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ ژانویه ۲۰۱۱

۲۶ دی ۱۳۸۹

نمی‌تواند چیزی کمتر از سلب کامل قدرت از هیات حاکمه فعلی، در هم شکستن ماشین دولتی و دستگاه سرکوبی که در نیم قرن گذشته علیه مردم شکل گرفته، و برقراری حکومت مستقیم شهروندان متکی بر شوراها و ارگانهای توده‌ای اعمال قدرت آنها باشد.

پیروزی برق‌آسای مردم تونس در فراری دادن "بن‌علی" که در ۲۳ سال گذشته در راس دستگاه مخوف آدم‌کشی قرار داشت، موجی وسیع از شادی و امید در بین همه محرومان جهان و بویژه در کشورهای عربی دامن زد. در برخی کشورها تظاهرات‌هایی در دفاع از مردم تونس برپا شد و در باقی کشورها غبار نگرانی و خوف بر چهره دیکتاتورهای رنگارنگ نشانند. در ایران نیز که مردم تظاهرات یکماهه اخیر در تونس و صحنه‌های مشابه انقلاب سال ۸۸ بر علیه جمهوری اسلامی را با علاقه دنبال کرده‌اند، فرار دیکتاتور تونس را به مردم این کشور تبریک گفتند و در مبارزه خود برای رهایی از شر جمهوری اسلامی احساس قدرت کردند.

شروع انقلاب در تونس واقعه‌ای مهم است که تأثیرات وسیعی بویژه در منطقه و بویژه کشورهای موسوم به "جهان عرب" خواهد داشت. این انقلاب باید با قدرت تمام به پیش رود و به پیروزی برسد. هیات حاکمه تونس در هماهنگی با قدرتهای غربی، بویژه فرانسه و آمریکا، میکوشد تا به پشت صحنه بردن چهره‌های منفور، کل ماشین دولتی اعم از ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب را حفظ کند و حداکثر با دخیل کردن برخی از جریان‌های اسلامی و ناسیونالیست و مرتجع اپوزیسیون در "دولت ائتلافی"، سیستم اختناق و استثمار فعلی را مشروعیت بخشیده و حفظ کند.

تسلیت به رفقا عبدالله اسدی، آمنه زرین و پرستو اسدی

رفقای عزیز خبر مرگ نابهنگام و دردناک رئوف اسدی شوک عمیقی بود که کسی انتظار آنرا نداشت. خبر مرگ رئوف جوان که چهره دوست‌داشتنی او بویژه در دوران بچگی برای همه ما آشنا بود، درد عمیقی است که شما پدر و مادر و خواهر او را بیش از همه متأثر کرده است. رفقای عزیز من از جانب کمیته و تشکیلات کردستان حزب صمیمانه به شما تسلیت می‌گوییم. در این شرایط سخت ما را در غم خود شریک و در کنار خود بدانید.

محمد آسگران

از جانب کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی



رادیو انترناسیونال: در جریان

هستید که بدنبال گسترش آکسیونهای جریانات اپوزیسیون از جمله حزب کمونیست کارگری در خارج کشور علیه سران رژیم اسلامی ایران، بحث حول آزادی بیان بین سازمانهای سیاسی، قطبی شده. ممکن است نظر حزب کمونیست کارگری در مورد آزادی بیان را بیشتر برای شنوندگان توضیح بدهید؟

منصور حکمت: بگذارید یک نکته راجع به همین بحث مشخص بگویم، خیلی جالب است که بحث آزادی بیان باب شده باشد، منتها آرزو می‌کردم بحث بر سر آزادی بیان مردم باشد: آزادی بیان ما و کسانی که تحت سرکوبند و دارند با این رژیم مبارزه می‌کنند. جالب است که بحث جدید آزادی بیان، راجع به آزادی بیان رژیم در خارج است! به این برمیگردم. امروز خوشبختانه رسم است که همه از آزادی بی قید و شرط بیان دفاع بکنند. بیست سال پیش، فکر می‌کنم اولین جریان و حزب سیاسی که مقوله آزادی بی قید و شرط بیان و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی را در برنامه اش گنجانده و در جامعه ایران مطرح کرد اتحاد مبارزان کمونیست بود. تصور نمی‌کنم در تاریخ صد ساله اخیر، از انقلاب مشروطیت تا امروز، هیچ حزب سیاسی، خواست آزادی بی قید و شرط و نامحدود بیان و آزادیهای بی قید و شرط و نامحدود سیاسی را مطرح کرده باشد. وقتی ما این را مطرح کردیم خیلی کفرآلود تلقی میشد. چون آن موقع فرمول انقلابی چپ رادیکال این بود: آزادی برای خلق، سرکوب برای ضد خلق.

یادم هست در یک نوشته با چریکهای فدائی این بحث را داشتیم که بی قید و شرط بودن آزادی بیان، شرط حمایت از آزادی پائین در مقابل بالاست. هر نوع قید و شرطی روی آزادی بیان و آزادی ابراز وجود

درباره آزادی بیان مصاحبه با رادیو انترناسیونال استکهلم

سیاسی، ابزاری است برای اینکه قدرت فائقه در جامعه از مجرای آن تبصره، آزادی عده ای را در جامعه، در پائین، محدود کند. تبصره گذاشتن روی آزادی در هر سیستمی به ضرر پائین و به نفع بالاست. خوشبختانه آن دوره گذشته، الان همه متقاعدند که آزادی بی قید و شرط بیان باید وجود داشته باشد. این البته پیشرفتی است. آن موقع به ما می‌گفتند آزادی بی قید و شرط بیان به معنی دفاع شما، برای مثال، از نشریه "میزان" مهندس بازرگان است، که حزب الله می‌خواست ببندد. بهر حال اوضاع فرق کرده.

در مورد خود مقوله آزادی بیان، این یک جزء لایتجزای برنامه حزب کمونیست کارگری است، نه فقط آزادی بیان به معنی یک خواست سیاسی بلکه هر نوع ابراز وجود معنوی و اجتماعی انسان. برنامه ما معتقد است جلو حرف زدن و ابراز وجود هیچکس را نمی‌شود تحت فرمولبندیهای نظیر اهانت به عفت عمومی، اهانت به شعائر ملی، تضعیف اقتصاد جنگی و غیره گرفت. اینها همه ابعادی از آزادی بیان هستند که برنامه ما به تفصیل بحث کرده است. بعضی فکر می‌کنند چون بحث آزادی بیان است، این مربوط به صنف نویسنده است، چون آنها هستند که ظاهراً چیزهایی را "بیان" می‌کنند. بخاطر اینکه بیان را به گفتار و نوشتار محدود می بینند، می‌گویند آزادی بیان، آزادی سخنوران و نویسندگان محسوب میشود. در نتیجه هر جا بخواهند نشان بدهند آزادی بیان نقض شده، به سراغ نویسنده ای میروند که برای مثال رمانش سانسور شده، که البته خود این کار بدی است. اما آزادی بیان، آزادی ابراز وجود است. معادل freedom of expression، یعنی آزادی

اینکه خودت را به هر شیوه ای که می‌خواهی بیان کنی (از جمله) به شیوه های هنری. الان در آمریکا بحث است که آیا میشود جلوی سوزاندن پرچم آمریکا را بگیرند یا نه. بحث مقابل که تا این لحظه نگذاشته جلوی این کار را بگیرند اینست که این جزء آزادی بیان است.

را نقض نکرده ام، دارم آزادی بیان خود را ابراز می‌کنم. من نه فقط حاضر نیستم جانم را بدهم که لاجوردی حرفش را بزند بلکه دارم مبارزه می‌کنم و حاضریم جانم را بدهم که لاجوردی دیگر هیچوقت نتواند حرف بزند. من سعی می‌کنم هر نوع ابراز وجود سیاسی را از اسلام سیاسی بگیرم. این را عین آزادیخواهی خودم میدانم. فکر می‌کنم همه ما همینطوریم، من کمونیست شده ام که سعی کنم چیزهایی در این جامعه برای همیشه ساکت بشود و بشریت آنها را پشت سر بگذارد. معلوم است که حاضر نیستم جانم را بدهم اینها حرف بزنند.

شنونده: ... سوال اولم در رابطه با آزادی بیان است موقعی که می‌گوئیم بدون قید و شرط دیگر باید همه گیر باشد. در برنامه اول حزب کمونیست ایران آمده بود که آزادی بدون قید و شرط، ولی مشخص کرده بود که مثلاً برای سلطنت طلبها و امثال اینها نباشد، این خودش شرط است. دوم اینکه امروز در همین رادیو، اکثریت هم صحبت کرد. آیا این نشانه تومب به اکثریت است یا اینکه در فکر وحدتی در آینده می‌باشید، چون موقعی که جریانهای مثلاً در کردستان با هم بنشینند، فوراً حزب کمونیست کارگری در تمام نشریات همه را زیر سوال می‌برید، آیا این امروز چه علتی دارد؟

منصور حکمت: در برنامه ما که قید و شرط برای آزادی بیان و آزادی سیاسی نیست. در برنامه حزب کمونیست هم، که آنهم در دوره ما نوشته شد و ما طرح آنرا نوشتیم، قید و شرط روی آزادی بیان و آزادی سیاسی نبود. روی تشکل بود. بحث بر سر این بود که آیا جامعه، متشکل شدن احزابی را تحمل میکند که آگاهانه، عامدانه و با اعلام رسمی خودشان، احزابی راسیست و فاشیست هستند. که این بنظم بحث بازی برای هر جامعه است. هر جامعه میتواند تشخیص بدهد آیا اجازه متشکل شدن و مقر و دفتر داشتن به سازمانی را که علناً و رسماً جزء ایدئولوژیست هست و به آن میباید که برای مثال ضد زن، ضد کرد یا ضد سیاه پوستهاست، مجاز میدانند یا نه. این بیشتر یک سوال

تاکتیکی است تا پرنسیپی. تشکل با بیان فرق میکند. اگر عده ای با هدف آزار رساندن، برای مثال، به اقلیتی در جامعه سازمانی درست کنند، حتماً باید قانونی وجود داشته باشد که دامنه عمل این سازمان را کنترل کند. ولی آزادی بیان بنا به تعریف آزادی ای است که شما از آن طریق نظر و احساس تان را و حتی راسیستی ترین حرفتان و هر چیزی را بیان می‌کنید بدون اینکه تماس فیزیکی و حضور مادی در زندگی بقیه داشته باشید، بقیه میتوانند بیان شما را تماشا کنند یا بشنوند و رد شوند. شما تعرض بیشتری از آن نمی‌کنید. بیان به این معنی میتواند مصون باشد. حتی زشت ترین چیزها که امروز بنظر شما زشت می‌آید، طرف لابد معتقد است درست است و باید به کرسی بنشانند و شما نمیتوانید قبل از پروسه ای که در آن حقیقت کشف میشود یکطرفه اعلام کنید حقیقت این است و فقط کسانی که این را می‌گویند میتوانند آزادی داشته باشند. آزادی بیان، آزادی زخمخترین، ناهنجارترین و ناگوارترین بیان هاست. این شاخص آزادی بیان است. در نتیجه بنظر من هیچ حدود و ثغوری نباید داشته باشد. حتی حدود و ثغوری که الان برای مثال در آمریکا برای کنترل پورنوگرافی تحت عنوان عفت عمومی را جریحه دار کردن هست، یک حدود و ثغور نسبتاً رسمی بر آزادی بیان است که کسانی که در کار پورنوگرافی هستند همیشه با آن بحث اساسی دارند یا برای مثال آزادی بیان ژورنالیستهای فرانسوی و آمریکائی و انگلیسی در جنگ خلیج، جنگ آمریکا و عراق، بشدت در چارچوب منفعت ملی و منفعت جنگی محدود شد که سروصدای خیلی هایشان را در آورد. بنظر من حدود و ثغوری نباید باشد.

راجع به نکته دوم، آیا حالا که ما با کسان دیگری در اپوزیسیون حرف زده ایم می‌خواهیم با آنها وحدت کنیم یا نه. تا آنجا که به حزب کمونیست کارگری مربوط میشود، خیر ما قصد وحدت با سازمانهایی که ایشان اسم بردند نداریم. ولی زیر هر سقفی با هر کسی ظاهر می‌شویم. فکر می‌کنیم هر جایی که عده ای حرف می‌زنند و

از صفحه ۴ درباره آزادی بیان ...

عده ای گوش می دهند ما هم میتوانیم حضور داشته باشیم. شخصا راجع به حضور، (فکر کنم منظورشان حضور کومه له در پارلمان کرد است) بنظر مهم این است آنجا چه چیزی گفته اند. نفس اینکه سازمانی جایی برود حرفش را بزند ایرادی ندارد - یک جاهانی ایراد دارد که میشود بطور عملی نشان داد این به ضرر جنبش تمام میشود - ولی بیشتر این مهم است آنجا چه گفته اند؛ آیا نسبت به آن مرجعی که در آن شرکت کرده اند توهم ایجاد کرده اند یا علیه آن مبارزه کرده اند. این چیزی است که باید بطور کنکرت دید. من شخصا به کسی بخاطر صرف ظاهر شدن پشت یک تریبون، دور یک میزگرد یا در یک ساختمان با احزابی کاملاً مخالف خودش ایرادی نمی بینم. اصلاً قرار است تبلیغات و پروپاگاندا در مقابل تبلیغات دشمن باشد و اگر دشمنی در سنگری حرف میزند باید رفت و در مقابلش ظاهر شد و حرف خود را زد. شخصا مشکلی با این قضیه ندارم.

رادیو انترناسیونال: عنوان میشود که آزادی بیان شما، نوع حرف زدن شما به مقدسات عده ای بر میخورد. این مقدسات باید محترم شمرده شوند، خواه مقدسات ملی، خواه مذهبی و خواه اخلاقی باشد. آیا به چنین چیزی قائل هستید؟ اما قبل از جواب، به سوال شنونده دیگری توجه کنید:

شنونده: ... آیا همیشه گرایشات مخالف در وجود امثال لاجوردی تبلور پیدا میکند؟ شما به مسائل بعد از انقلاب اکتبر و سرکوب گرایشات مختلف توسط بلشویکها توجه کنید؛ همه اینها لاجوردی ها بودند؟ چه تضمینی وجود دارد که من بخاطر هر نظرم بعنوان یک گرایش بورژوازی توسط شما سرکوب نشوم؟

منصور حکمت: راجع به سوال خودتان و بحث مقدسات، من ابداً هیچ مقدساتی را دلیل کافی نمیدانم برای اینکه جلوی حرف زدن کسی گرفته شود. جلوی اینکه کسی حرف و نظرش را با جامعه در میان بگذارد. این ابداً مجاز نیست، تعریف مقدسات برای جامعه، ابزار کنترل و سرکوب جامعه است. بنظر من سخن گفتن و نقد کردن هیچ چیزی نمیتواند مانعی داشته باشد هر قدر هم برای کسانی مقدس باشد، وگرنه جامعه جلو نمیرود. در برنامه حزب کمونیست کارگری گفته ایم آزادی انتقاد بدون قید و شرط، آزادی نقد و محدود نبودن به تمایلات و اخلاقیات طرف مقابل. این ابزارها همیشه از بالا به سمت پایین اعمال میشود. کسی که برای مثال میگوید عفت عمومی جریحه دار شد، منافع اجتماعی اقتصادی خودش را در چارچوب بحث عفت عمومی پوشانده و وقتی به شما میگوید عفت عمومی را جریحه دار کرده اید، دارد با یک گرایش تغییر دهنده در جامعه مقابله میکند. این

گوشه ای است از کنترل مردم و کنترل جامعه.

در مورد حرف دوست شنونده که آیا همه مخالفان ما لاجوردیها هستند، نه ما این را گفته ام نه من اینطور فکر میکنم. راجع به اینکه ایشان تضمین میخواهند که سرکوب نشوند، من میگویم این تضمین را باید از کسانی خواست که سرکوب میکنند. من اگر ایشان را در صف مقدم مبارزه با جمهوری اسلامی، که سمبل سرکوب مردم است، ببینم، اگر ایشان را ببینم به سرکوب کمونیستها، به سرکوب اعتراضات کارگری، به سرکوب زن در آن جامعه اعتراض میکنند، نه اینکه در خانه خودش، بلکه مثل یک حزب سیاسی، طبعاً به او حق میدهم هزار و یک ایراد هم بگیرد. ولی شما شاهد یک قطب بندی در خارج کشور هستید که طرفداران یک حکومت، حکومت جمهوری اسلامی که همان آقای مهاجرانی، وزیر کابینه و عضو قوه مجریه اش است و در آن من و شما و دوست شنونده مان بیحقوق هستیم، رژیمی که از ترس ترورش، باید هنوز اینجا هم مواظب خودمان باشیم، طرفداران قوه مجریه آن حکومت، بحث آزادی بیان را به زمین اپوزیسیون جمهوری اسلامی می آورند. طوری که گویا آنها مقداری آزادی بیان از ما طلبکارند! این دیگر عوامفریبی است. دوست من، حرفی ندارم، بنشینیم راجع به تجربه شوروی حرف بزنیم، من هیچوقت پرسوویت نبوده ام. احتمالاً بیشتر کسانی که باید بنشینند و بحث

کنند که چی شد در شوروی اینطور شد از دوستان خود این رفیقمان هستند. من پروچین نبوده ام، اما بنشینیم راجع به چین حرف بزنیم. من خودم نظر دارم. بحث من اینست تضمینی که شما از کمونیستها میخواهید برای اینکه آیا آزادی بعد از یک انقلاب کمونیستی چه حدود و شعوری خواهد داشت، در اندیشه کمونیستهاست نسبت به جامعه، رابطه شان با مناسبات مالکیت، از بین بردن دلایل انقیاد و اختناق و وجود دولت و از بین بردن طبقات ستمگر و ستمکش، اینها تضمین کمونیسم است برای آزادی، نه اخلاق شخصی من. شما ممکن است فکر کنید فلانی حتما آدم جاه طلبی است یا ممکن است فردا به دوستش زور بگوید. قرار نیست در جامعه به این معیارها اعتماد بکنیم. مگر شما خاتمی را بهتر از کمونیستها میشناسید؟ یا حاضرید به وجدان مهاجرانی بهتر قسم بخورید تا مسئول حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور؟ نه. شما باید جامعه ای را تصور کنید که در آن زور معنی پیدا نمیکند، که پائین رها شده و میتواند از خودش دفاع کند و چیزی به اسم بالا و پائین مورد پیدا نمیکند. کمونیستها "به شرط چاقو" و "بیا به من اعتماد کن" و "بین چقدر آدم نجیبی هستم"، بحث آزادی را مطرح نمیکند. ما که دنبال رای در انتخابات نگشته ایم. ما میگوییم بیایید بنیاد جامعه، که بر مبنای استثمار و ظلم است، را زیر و رو کنیم، هر چقدر من و شما آدمهای بدی باشیم ولی در جامعه ای که دیگر طبقاتی وجود ندارند و من مجبور نیستم برای شما کار کنم تا نان شبم را بگیرم و در نتیجه مجبور باشم به حرف شما گوش کنم و اگر اعتراض کردم شما قشون بیاورید و مرا سرکوب کنید، آنوقت در همچنین جامعه ای همه آدمها آزادی دارند و تضمین آن هم نظام اجتماعی و رهائی پائین و بی پایه شدن پدیده دولت و انحلال ارتش است. یک رژیم با سرکوب دینی، با سپاه پاسداران، با شکنجه و سنگسار سر کار است و هنوز هم دارد میکشد، طرفداران آن حکومت آمده اند در خارج کشور آزادی بیانشان را از یک جنبش سیاسی به اسم کمونیسم کارگری میخواهند که طرفدار انحلال ارتش، انحلال

سازمانهای مخفی، آزادی بی قید و شرط سیاسی، برابری کامل زن و مرد، آزادی تشکل و اعتصاب است! فکر نمیکنید یک اتفاق مالیخیولیائی این وسط افتاده؟ فکر نمیکنید یک چیز عجیبی دارد اتفاق میافتد؟ مثل اینست که، برای مثال، یکی از وزرای معتدل پینوشه بگوید آزادی بیان ما را مخالفان رژیم نقض کرده اند! یا فلان وزیر صنعت و تجارت هیتر که یک ذره معتدل تر از او بوده، به جنبش ضد فاشیستی اعتراض کند که چه تضمینی دارم شما سر کار بیائید آزادی را رعایت کنید؟! آخر اینها همین الان در سرگوبگر ترین رژیمهای تاریخ نشسته اید و دستشان تا آرنج در خون است. معیارهای اخلاقی و شرفی که به خاتمی و مهاجرانی حاکم است با من و شما فرق ندارد. من و شما اگر روزی در آن حکومت بودیم، الان هوار میکشیدیم میگفتیم ما با اینها نیستیم، در این جنایت شریک نیستیم، بیایید اینها را سرنگون کنیم. حرفی که ما داریم میزنیم. حالا وزیر ارشاد اسلامی، یعنی وزیر سانسور جمهوری اسلامی، از من کمونیست در خارج کشور آزادی بیان طلبکار شده؟ فکر میکنم ابعاد اندازه گیری مساله را باید نگه داشت. زشت است این حرکت.

رادیو انترناسیونال: در رابطه با همین صحبتی که شما کردید، اطلاعاتی ای در "گار" ۱۸۱ ارگان اکثریت، به امضای اکثریت، حزب دمکراتیک مردم ایران و جمهورخواهان ملی ایران درج شده که افشاگری ما علیه مهاجرانی و سرورش را یک عمل خشونت آمیز و حمله شخصی تلقی کرده و آن را محکوم کرده اند. نظرتان چیست؟

منصور حکمت: من فکر میکنم قضیه تقریباً سوررئالیستی شده. یک مبارز ضد آپارتاید را بیاورید این صحنه را نشان بدهید، بگوئید: این روزنامه "اکثریت" است، آن جمهوری اسلامی است و اینها چیها و کمونیستها هستند. رژیم از اینها صدهزار نفری کشتار کرده، در آن مملکت زن حق ندارد حرف بزند و اخیراً معلوم شده که حتی راجع به نابرابری زنان هم نباید حرف زد. در آن مملکت زنان را به جرم عشق



از صفحه 5 درباره آزادی بیان ...

ورزی، به جرم اینکه به صاحب جنسی شان پشت کرده اند سنگسار میکنند. در آن مملکت قبر خیلی از آدمها معلوم نیست کجاست، خلیها نمیدانند عزیزترین کسانشان کجا دفن شده اند. این "اکثریت" که يك دوره با رژیم همکاری کرده، و این رژیم بوده که آنها را نخواسته و بیرون کرده، حالا باز يك در باغ سبزی دیده، چنین سازمانی، قطعنامه صادر کرده و روشن ترین قربانیان خشونت را، از خشونت علیه رژیم در خارج کشور بر حذر کرده است! من فکر میکنم میخندند. میخندند. فقط به این خاطر که ما به زبان مهجور فارسی حرف میزنیم و ادبیاتمان با خط مهجور فارسی نوشته میشود و دنیا از آن تاثیر نمیپذیرد و خبر ندارد، میتوانیم در این دنیای مالیخولیایی زندگی کنیم. وگرنه همه به این میخندند. این مردمند که تحت خشونت جمهوری اسلامی اند، این اپوزیسیون است که زیر خشونت جمهوری اسلامی است. بهترین رفقای ما را زده اند، رهبران کارگری آن مملکت را کشتار کرده اند، بهترین کسان جنبش دانشجویی را کشتار کرده اند، عزیزترین فعالین آزادیخواه دوران شاه را اینها از روی لیست شاه و حتی وسیعتر از آن زده اند. بیایید کلاه خودتان را قاضی کنید، زشت نیست يك سازمان سیاسی اطلاعیه بدهد و حزب کمونیست کارگری را از خشونت علیه جمهوری اسلامی بر حذر بدارد؟ من این مالیخولیا را درک نمیکنم، نه، به يك معنی درک میکنم. یعنی میتوانم به اعداد خیلی کوچک و به

حقارتهای خیلی زیاد فکر کنم ولی نمیتوانم درک کنم چطور يك آدم واقعی به این درجه و به آن ابعاد کوچک تنزل میکند.

شنونده دیگر: ... سوالم از آقای منصور حکمت اینست که در يك حکومت آینده کارگری آیا افرادی مثل فرخ نگهدار باید محاکمه بشوند یا نه؟ یعنی تمام باند اکثریت؟

منصور حکمت: در مورد محاکمه آدمها، بنظر من هر کسی در دنیا ممکن است محاکمه بشود، اگر پرونده مشخص با ادله کافی علیه اش باشد. اتهام گروهی به کسی نمیشود زد. افراد سازمانهای سیاسی را نمیشود بر مبنای تاکتیکیهای سیاسی آن سازمانها محاکمه کرد. شما اگر از آدم بخصوصی شکایت کنید و ادله کافی به مرجع ذیصلاحی بدهید لابد باید پیگیری کند و تازه باید دادگاه ببیند اتهامات شما تایید میشوند یا نه. من بعنوان شخص لابد از خیلی کسان ناراضی دارم و حتما به توجه مراجع صالحه میرسانم. در حکومت کارگری حتما آدمها باید مسئولیت اعمالشان را بر عهده بگیرند. ولی در لحن صحبت دوستان تهییجی بود که اتفاقا اگر صحبت از عدالت باشد من فکر میکنم دیگر این تهییج را نباید داشته باشیم. عدالت یعنی اینکه هر کس مسئول کاری باشد که خودش کرده است.

رادیو انترناسیونال: سوال دیگری شده که آیا حمله به عوامل جمهوری اسلامی در خارج کشور، نقض آزادی بیان آنها نیست؟

منصور حکمت: حمله البته کلمه وسیعی است. حمله ممکن است مخالف قوانین آن کشور باشد. نمیشود کسی را زد و زخمی کرد، ممکن است چیزی مخالف آزادی بیان نباشد ولی غیرقانونی باشد، با سلامت جسمی شهروندان آن کشور در تناقض باشد. ولی اعتراض از پهلو، اعتراض پائین به پائین، اعتراض شهروند به شهروند، اعتراض بخش خصوصی به بخش خصوصی، نقض آزادی بیان نیست.

اگر يك نفر بیاید دم خانه ما چهارپایه بگذارد و شروع کند اهانت کردن که برای مثال زن عقلش کمتر است، سیاهها کثیف اند، ایرانیها فلان جورند و يك سری حرفهای تبعیض آمیز و تحریک آمیز بزند، من ممکن است يك شیپور بر دارم و چنان با صدای بلند بزنم که کسی حرف او را نشنود. من آزادی بیان طرف را نقض نکرده ام، ممانعت کرده ام از زدن آن حرفهای مشخص در آن معبر معین در آن روز و ساعت معین. این کار حق من است. این آزادی بیان من است، به معنی expression، نه به معنی گفتار. آزادی نمایش دادن احساس و عواطفم به جامعه است و اگر این باعث بشود که او نتواند حرفش را بزند، فيها از نظر من آزادی بیان مصونیت در مقابل تعرض بالاست. این تمام بحث حقوقی آزادی بیان است. آزادی بیان فرمول دیگری برای سعه صدر و "حالا بگذار حرفش را بزند" و "نظر هر کسی محترم است" نیست. آزادی بیان بحثی حقوقی است درباره مصون بودن شهروند از تعرض مقامات، نهادها و کانونهای سیاسی است که قدرت را در دست دارند یا میتوانند از کانال قوانین در

زندگی آدمها تاثیر بگذارند. مصون بودن در مقابل تعدی آنهاست. اگر دولت مربوطه بیاید دست این شخص را بگیرد و ببرد ممکن است آزادی بیانش را نقض کرده و دادگاه به نفع او رای بدهد. ولی اگر من شیپور بزنم، داد بزنم و جمعیت را بسیج کنم هوشا کنند، عین آزادی بیانم را ابراز کرده ام نه برعکس. آزادی بیان او وقتیکه اجازه اش را از پلیس گرفته تضمین شده است.

رادیو انترناسیونال: سوال مشابهی از آقای مصطفی مدنی شد بطور مشخص در مورد مهاجرانی، ایشان اعتقاد داشتند هرگونه آکسیون علیه گرایشی که در ایران دارد حال با زور، عقب نشینی، تمکین یا هرچیز، به درجه ای از مطالبات و آزادیهای مردم کردن میگذارد از نظر ایشان نادرست است. اما سوال آخرم از شما، آیا حزب کمونیست کارگری، این گونه آکسیونها، نظیر آکسیون آلمان علیه سروش یا استکھلم علیه مهاجرانی را ادامه خواهد داد و چگونه؟

منصور حکمت: اجازه بدهید راجع به صحبت آقای مدنی چیزی بگویم؛ من اگر جای مهاجرانی یا خاتمی باشم حتما تشکر میکنم از ایشان، حتما، چون چه دفاعی از این بهتر که یکی بیاید بگوید تعرض به اینها درست نیست. اگر مهاجرانی ادب داشته باشد باید بگوید خیلی متشکرم آقای مدنی.

در مورد اینکه پرسیدید آیا اینگونه آکسیونهای حزب کمونیست گسترش پیدا میکنند، يك عده فکر میکنند در مقابل حرکتها سیاسی و اعتراضی ما بعنوان عناصر آزادیخواه آن جامعه علیه رژیم ارتجاعی ایران، با به اصطلاح طومار جمع کردن و اطلاعیه صادر کردن، مثلا فضای خارج کشور فضائی میشود که ما برویم در پناهگاه بنشینیم و جمهوری اسلامی بتواند در خارج جلساتش را بگذارد. ما از این طومار جمع کردنها راستش استقبال هم میکنیم. من این را دارم میگویم برای اینکه تعجب نکنند که علیرغم این "فتاها"، ما بر خودمان فشاری حس نمیکنیم. بخاطر اینکه مردم ایران دارند نگاه میکنند. آن کسی که در ایران دارد عین همین کار را

که ما میکنیم میکند، یعنی رژیم را زیر فشار میگذارد، متحدهش را در ما پیدا میکند و میگوید زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران که در خارج عرصه را به اینها تنگ کرده. اگر در این فاصله ایده های کج و کوله کسی، ایده های به اصطلاح خود راضی کن کسی راجع به آزادی بیان که هیچ ربطی به مقوله آزادی بیان ندارد جریحه دار میشود، مشکل از تلقیهای فلسفی طرف است. میتوانم به آزادی بیان از يك دریچه واقعی تر و سیاسی تر و واقعا انسانی تر نگاه کند، نه از زاویه تاکتیکی که چیزی به نفع خاتمی تمام میشود یا نه. ما در خارج اگر بتوانیم بطرق سیاسی (ما يك سازمان خشن نیستیم، ما يك سازمان سیاسی هستیم، تظاهرات میکنیم، آکسیون میکنیم، پیکت میکنیم، شعار میدهیم) از این طرق مشخص اگر ما بتوانیم مانع بشویم که يك عامل جمهوری اسلامی در خارج جلسه اش را تا آخر برگزار کند، ما به این می بالیم و به این کار ادامه میدهیم.

چیزی که بنظر من خیلی گویاست این است که خود طرفداران خاتمی در اپوزیسیون هیچ فرقی بین خودشان و این جناح قاتل نیستند. مثلا اگر ما برویم به آقای مهاجرانی بگویم هو! آقای معروفی این را به خودش میگیرد و میگوید سرکوب شدم. یا برای مثال اگر ما به سروش اعتراض کنیم، يك نفر در سازمان بااصطلاح چپی ناراحت میشود. یعنی حاضر نیستند بین خودشان و سروش، بین خودشان و مهاجرانی فرق بگذارند. این دیگر مشکل من نیست. ما علیه سروش تظاهرات کردیم نه علیه همفکران سروش در اپوزیسیون. هنوز کاری به اینها نداشته ایم. حتی اگر میکریم حق داشتیم، ولی نکردیم. خط سیاسی ما این نیست که از فعالیت مخالفین رژیم ممانعت کنیم، حتی اگر این مخالفین رژیم شعارشان این باشد که باید با رژیم ساخت. ما سیاست پیکت کردن و ممانعت از تشکیل جلسات اینها را نداریم. آن بخشی که درست سوژه فعالیت و بااصطلاح پیکت کردن و ممانعت کردن ماست، خود رژیمها هستند. چه رژیمی الان، چه رژیمی

از طریق سایتهای زیر به کتاب
یک دنیای بهتر
می توانید دسترسی پیدا کنید.
www.wpiran.org
حزب کمونیست کارگری ایران
آرشیو عمومی منصور حکمت
www.hekmat.public-archive.net

اخباری از شهرهای کردستان

بی خبری خانواده و وکیل
حسین خضری از اجرای حکم
اعدام



زندانی سیاسی حسین خضری، بدون طی کمترین روال قانونی و حتی بدون اطلاع خانواده و وکیل خود در زندان مرکزی ارومیه به دار آویخته شد.

برادر حسین خضری گفت: "اتهام مطرح شده از سوی رسانه های حکومتی همان اتهامی است که پیشتر نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در پرونده حسین مطرح کرده بودند و قصد داشتند در این باره از وی اعتراف تلویزیونی بگیرند."

وی افزود: "هیچ مرجع رسمی تا کنون خبر اجرای حکم اعدام حسین را به ما و یا به وکیل وی اعلام نکرده است."

حسین خضری از دو هفته قبل به محل نامعلومی منتقل شده بود و مسئولین زندان و قوه قضائیه به خانواده وی گفته بودند که وی جهت پیگیری نامه ای که به ریاست قوه قضائیه نوشته به تهران منتقل شده است. لازم به ذکر است که حسین خضری طی نامه ای هفت صفحه ای به ریاست قوه قضائیه از شکنجه های خود پرده برداشته و اتهامات وارده به خود را رد نموده و خواستار رسیدگی عادلانه به پرونده اش و محاکمه بازجویان خود شده بود.

**پافشاری مسئولان در اخصای
اجرای حکم اعدام حسین خضری**

خواهر حسین خضری می گوید: «طی دو روز گذشته بارها به زندان و دادسرا مراجعه کردیم، اما مسئولین هیچ نوع اطلاعاتی در قبال تأیید خبر به ما نمی دهند»

وی در ادامه افزود: «به زندان ارومیه مراجعه کردیم و

گفتند باید به دادسرا برویم، به دادسرا رفتیم گفتند دادستان در ماموریت بسر می برد.» برادر وی پیشتر اعلام کرده بود که «به شورای تأمین استان مراجعه کردیم و آنها نیز از خبر منتشر شده از سوی واحد مرکزی خبر ابراز بی اطلاعی کردند.»

خبرگزاری های دولتی پیشتر به نقل از شورای تأمین استان آذربایجان غربی از اجرای حکم اعدام یک عضو پژاک خبر داد که اتهام مطرح شده برای آن جزء اتهاماتی اصلی بود که در پرونده حسین خضری و در زمان بازجویی مطرح شده است.

از سوی دیگر پیشتر دادستانی و شعبه ۹ اجرای احکام خبر اجرای حکم اعدام حسین خضری را به برادر وی اعلام کرده بودند که به دلیل نامعلومی به تعویق افتاده بود.

تمامی شواهد و قرائن حاکی از اجرای حکم اعدام حسین خضری است اما مسئولین زندان و قضایی همچنان با اعلام بی اطلاعی و کتمان خبر خانواده وی را در بالاترین سطح نگه داشته اند.

**بی خبری از سرنوشت یک
فعال اجتماعی در سنندج**

از سرنوشت یک فعال اجتماعی در سنندج به نام محمد ژیان ظفری که چندی پیش توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اطلاعی در دست نیست.

محمد ژیان ظفری پس از بازداشت به مکان نامعلومی منتقل شده و تاکنون از سرنوشت وی خبری در دست نیست.

علیرغم پیگیری های خانواده نامبرده، مقامات مسئول هیچگونه پاسخی در رابطه با محل نگهداری او و اتهامات احتمالی وی نداده اند.

محمد ژیان ظفری در جریان مراجعه نیروهای امنیتی به خانه پدری حبیب الله لطیفی زندانی محکوم به اعدام سندنجدی، بازداشت شده بود

**انتقال جهانگیر بادوزاده و
محمد امین عبدللهی به سلول
انفرادی**

در پی اعدام حسین خضری، فشار بر زندانیان سیاسی در زندان ارومیه افزایش یافته است. در همین رابطه جهانگیر بادو زاده و محمد امین عبدللهی به دلیل اعلام اعتصاب غذا به سلول انفرادی منتقل شدند.

جهانگیر بادو زاده، اهل مهاباد و محمد امین عبدللهی اهل بوکان، به ترتیب به تحمل حبس ابد و هجده سال حبس و تبعید به زندان طیس محکوم اند. پس از اجرای حکم اعدام حسین خضری، فشار بر زندانیان سیاسی محبوس در زندان مرکزی ارومیه افزایش یافته است؛ تا جایی که درب بند این زندانیان از سوی مسئولان بسته شده و آنها حتی حق هواخوری ندارند و از تماس تلفنی نیز محروم شدند.

حبیب الله گلپری پور زندانی سیاسی محکوم به اعدام به همراه احمد تمویی که دارای محکومیت پانزده ساله است، اکنون بیش از دو هفته است که به سلول انفرادی منتقل شده اند و همچنان در اعتصاب غذا بسر می برند. هم چنین علی احمد سلیمان دیگر زندانی سیاسی به دلیل نامعلومی پس از اعلام اعتصاب به اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده است و از وضعیت وی اطلاعی در دست نیست

از صفحه ۶ درباره آزادی بیان ...

خواهش کنیم و بخواهم که به حزب کمونیست کارگری بپیوندند. این اوضاع اخیر دارد نشان میدهد کی کجا ایستاده. بعد از همه بحثها راجع به "دوران"، شوروی و چین، عصر نوین و نظم نوین جهانی، شیوه های تولید، پست-مدرنیسم و مدرنیسم و هرچی، بالاخره الان دارد روشن میشود چه کسانی علیه اسلام ارتجاعی عصر ما ایستاده اند، چه کسانی جلوی ناسیونالیسم ارتجاعی عصر ما ایستاده اند و بالاخره چه کسانی جلوی رژیم اسلامی ارتجاعی کنونی ایستاده اند. جای همه کسانی که دوست دارند در یک جامعه آزاد زندگی کنند و این را حق بشر میدانند، در حزب ماست. اسم ما حزب کمونیست کارگری است ولی درش بروی همه کسانی که میخواهند در صف این حزب برای این اهداف مبارزه کنند باز است و هر کسی که به این حزب بپیوندد از همان روز اول انگار سی سال است عضو این حزب بوده، همه حقوق دخالت در سرنوشت این حزب را دارد. فراخوانم به هر کسی که این روزها می بینم و یا حاضر است پنج دقیقه گوشش را به من قرض بدهد این است که بپیوندد به حزب ما.

به نقل از نشریه ایسکرا شماره ۷

۲۲ خرداد ۱۳۷۷

۱۲ ژوئن ۱۹۹۸

ای که تازه بازنشسته و منتظر خدمت شده. ما با دوربین روابط داخل جناحها را دنبال نمیکنیم که درست از همان لحظه که یک نفر مغضوب واقع شد، در آغوش بگیریم و بگوئیم به اردوی انقلاب پیوسته، به من چه که آقای سروش چند وقت است به اپوزیسیون داخل کشوری رژیم و طرفدار یک جور حکومت دیگر اسلام تبدیل شده. این مشکل آقای سروش است با دوستان قدیمی اش. اینها با هم این حکومت را سر کار آورده اند. ولی اگر فرض کنید اکثریت برود جانی جلسه بگذارد، با اینکه موضعش با سروش فرقی ندارد، ما قرارهای فعلی سازمانمان بر این نیست که مزاحم اکثریت در تشکیل جلسه اش بشویم. ولی این معنی اش این نیست که نمی رویم در سالن، دست بلند نمیکنیم، حرفمان را نمیزنیم. همه این کارها را میکنیم. ولی میتوانند مطمئن باشند که حزب کمونیست کارگری قصد جلوگیری از برگزاری سازمانهای اپوزیسیون را ندارد، به هیچ وجه.

رادیو اترناسیونال: منصور حکمت متشکر از تماسستان، اگر نکته پایانی ای دارید بفرمائید.

منصور حکمت: فقط میخواهم از همه دوستانی که بحال اوضاع ایران و از یک موضع واقعا آزادیخواهانه دل میسوزانند،

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.**



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابری: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

طرح ریاضت اقتصادی را
نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. می‌خواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مجالده شده ایم تحمیل کند. می‌خواهند ما را از مصرف زیادی برخوردارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروتهایشان از گوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.
پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میدانند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاوشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!

زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

اطلاعیه تلویزیون کانال جدید در باره تغییر فرکانس

به اطلاع عموم می‌رسانیم از تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۸۹ برابر با اول ژانویه ۲۰۱۰ کانال جدید در فرکانس جدید پخش می‌شود.

از ۱۰ و نیم الی ۱۲ و نیم هر شب به مدت ۲ ساعت برنامه پخش می‌کند. KBC کانال جدید در هات برد، شبکه

در حال حاضر کانال جدید در هر دو فرکانس جدید و قدیم پخش می‌گردد.
از تاریخ ۱۱ دی ماه در فرکانس قدیم کانال جدید قابل دسترسی نخواهد بود. فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید را به اطلاع دوستان آشنایان خود برسانید.

مشخصات جدید برای دریافت کانال جدید:

هات برد ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴

اف ای سی: ۵/۶

پلاریزاسیون: افقی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید

۲۶ دسامبر ۲۰۱۰

۵ دی ۱۳۸۹



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!